



عفاف و حجاب

ویژه نامه سازمان بسیج جامعه زنان سپاه تهران بزرگ | ۴ صفحه
ضمیمه رایگان | ۲۱ تیر ۱۳۹۵

در گفتگو با مینو اصلانی، رئیس بسیج جامعه زنان کشور مطرح شد

قطار جنبش‌های «بازگشت زنان به عفت» در غرب به راه افتاده است

محمدصادق

مینو اصلانی بر این باور است که مطالبه ما درباره موضوع پوشش نه از جوان‌ها که از برنامه‌ریزان و مدیران جامعه است که در خواب سنگینی به سر می‌برند. او اگر چه وضع ناهنجار برخی خانواده‌ها در این باره را متذکر می‌شود اما در عین حال خاطرنشان می‌کند که بافت و نرم‌افزار فکری همین جوان‌هایی که ظاهر و حجاب و پوشش مناسبی ندارند، سنتی و اسلامی است. او می‌گوید دنیای امروز دنیای بازگشت به فطرت و عفت و ارزش‌های بنیادین اخلاقی و ایمانی است و جنبش‌های بازگشت به فطرت در میان زنان غربی شاهی بر این مدعاست.



این شبکه‌ها از نان شب برای مردم و جوان‌های ما واجب تر است چون امروز همه خانواده‌ها نگران اخلاق و رفتار نوجوان‌ها و جوان‌ها هستند. از آن طرف شبکه‌های اجتماعی بومی جذاب و با کارایی بالا به وجود بیاید که هم جوان‌های خلاق و کارآفرین در آن جا فعالیت و دانش خود را عرضه کنند و از دیگر سو صدا و سیما اقبال بیشتری به تقویت دانش رسانه‌ای مردم و آشنایی با شگردهای تبلیغاتی نشان دهد تا خانواده‌ها به راحتی در معرض ویروس‌های رسانه‌ای قرا نگیرند. البته یکی از ارکان اساسی ما مهدهای کودک هستند که متأسفانه امروز آموزش‌های مهدهای کودک اشکالات اساسی دارد که به این موضوع هم باید پرداخته شود.

بضاعت آموزش و پرورش را در این زمینه چطور می‌بینید؟

شما ببینید الان در کتاب‌های درسی ما فقط در سال دوم دبیرستان در یک مطلب کوتاه به رفتار متقابل زن و مرد نامحرم اشاره شده است، در حالی که این موضوع بسیار جدی است و جا دارد کتاب‌هایی خاص پوشش و حجاب و روابط زن و مرد و مهارت‌های زندگی منطبق با الگوهای اسلامی طراحی شود. در این کتاب‌هاست که می‌توان پسر‌ها را با عزت‌مندی و غیرت دینی آشنا کرد و گفت که جامعه ناموس آن‌هاست و دخترها هم با کرامت خودشان آشنا شوند و بدانند که این کرامت در پوشش جلوه می‌کند.

بد پوشش را سیاسی می‌بینند و به هنجارشکنی و مخالفت با حکومت تعبیر می‌کنند. دیدگاه‌شمار این‌باره چیست؟

شاید تعداد بسیار اندکی از جوان‌ها باشند که خواهان عناد و هنجارشکنی هستند. عمده قضیه این است که جوان‌های ما تحت تأثیر یک سری مظاهر خوش آب و رنگ غرب و تبرج و خودنمایی قرار گرفته‌اند و بحث‌شان عناد با ارزش‌های جامعه نیست. وقتی با خودشان صحبت می‌کنند می‌گویند من دوست دارم این‌طور باشم. البته ما منکر بحث مدلینگ نیستیم که گاه کاملاً برنامه‌ریزی شده و خصمانه چهره‌هایی را با ظواهر بسیار زننده وارد خیابان‌ها و پیاده‌روها می‌کنند و می‌خواهند جامعه را به آلودگی بکشانند. جریانی که از طرف صهیونیست‌ها حمایت می‌شوند و در راستای همان سیاست فسادبرانگیز غرب قرار دارد. اگر از این استثناها بگذریم می‌بینیم همان جوان‌هایی که گاه ظاهر مناسب ندارند در دعای کمیل و شب‌های قدر و مراسم تشیع شهدای مدافعان حرم حضور پیدا می‌کنند. این نشان می‌دهد که جوان‌های ما عموماً با ارزش‌ها مشکلی ندارند. امروز ۱۷۰ شبکه فارسی‌زبان علیه همه موجودیت‌ها و ارزش‌های انسانی و اسلامی تبلیغ می‌کنند و همه توان خود را برای حیزادایی به کار گرفته‌اند با این حال شما می‌بینید که در همین گرداب جوان‌هایی هستند که با وجود آن تبلیغات شیطانی تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند و برای دفاع از آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب و اسلام به صف مدافعان حرم می‌پیوندند. البته ما اعتقاد داریم همه ما به ویژه مسئولان باید به کمک جوان‌ها بیایند تا در این دوره سخت جنگ نرم، مثل دفاع مقدس سربلند از این پیکار بیرون بیاوریم تا ان‌شاءالله زمینه‌سازی برای ظهور منجی عالم بشریت فراهم شود. ■

پوشش نامناسب در دانشگاه و محل کار چطور به افت کارایی و سطح علمی افراد منجر می‌شود. چند وقت پیش شاهد بودیم که زنان عرصه سیاسی فرانسه، بیانیهای صادر کردند و برای اولین بار به آزادی‌هایی که به آن‌ها داده شده بود اعتراض کردند چون می‌بینند پوشش بد چه رفتارهایی را تشدید می‌کند.

شما چندین سال است که در بسیج جامعه زنان فعالیت می‌کنید. این دغدغه‌ها را به عنوان یک مسئول در بسیج زنان چطور پیگیری می‌کنید؟

ما در بسیج جامعه زنان به صورت گسترده و همه‌جانبه از سال ۸۴ به موضوعات مختلف عفاف و حجاب ورود کردیم و با انجام پژوهش‌های جدی در سطح ملی، ساختاری انسانی شکل گرفت که در آن ۵۰ هزار نفر از خانم‌های علاقمند به موضوعات عفاف و حجاب در شبکه خوشه‌ای گسترده‌ای سازماندهی شدند تا بحث حجاب را برای نوجوان‌ها و جوان‌ها به صورت اقناعی در دانشگاه‌ها و مدارس و فرهنگسراها مطرح کنند و گفتگوهای چهره به

زن روشنفکر و اجتماعی جامعه غرب است که واقعیت‌ها را فراتر از آن زرق و برق معمول رسانه‌ها و تبلیغات آمریکایی دیده و امروز دارد به آن اعتراف می‌کند.

اما امروز در جامعه خود ما نگرانی‌های عمیقی درباره پوشش برخی از دختران و زنان وجود دارد.

بله، من هم می‌پذیرم که تعداد قابل توجهی از خانواده‌ها نگران وضعیت بد پوشش هستند. جالب است بدانید که من دیده‌ام خیلی از خانواده‌هایی که دختران جوان آن‌ها به خاطر پوشش بسیار نامناسب سر و کارشان به گشت‌های ارشاد افتاده است، از ناجا تشکر می‌کنند و می‌گویند ما راضی نیستیم که جوان‌های ما با این وضعیت در خیابان‌ها حاضر شوند.

اگر این‌طور است پس چرا این خانواده‌ها چنین جوان‌هایی تربیت کرده‌اند؟

به خاطر این که خود خانواده‌ها هم از دست رفته‌اند و شما می‌بینید مداخله تربیتی چنین خانواده‌هایی به حداقل رسیده است. خانواده‌ها امروز مهارت لازم برای

عمده جوان‌های ما نرم‌افزار اندیشه و فکرشان تدین و انقلابی‌گری است اما گاه فضای لازم برای بروز این خصلت‌ها به خاطر قرار گرفتن در معرض شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی حیزاد فراهم نمی‌شود و متأسفانه باید بگویم که مسئولان در این زمینه هنوز در خواب عمیقی به سر می‌برند و ماحصل این خواب عمیق بحران عمیق‌تری است که جوان‌های مظلوم ما را درگیر کرده است.

برقراری ارتباط با فرزندان خود را ندارند و نمی‌توانند به شبهه‌ها پاسخ بدهند. شما در سیره حضرت زهرا سلام الله علیها می‌خوانید چطور با فرزند خود برخورد می‌کنند. چطور با فرزند خود ارتباط دارند. فرزندشان می‌گوید ما می‌دیدیم مادرمان شب تا صبح برای همسایه‌ها دعا می‌کردند. خب فرزند وقتی این‌ها را می‌بیند تحت تأثیر این فضای فکری است. فرزند بدون واژه‌ها می‌پرسد مادر سؤال می‌پرسد چون حضرت زهرا (س) این‌طور آموزش داده است اما چقدر از خانواده‌های ما هستند که فرزند بدون پرده پوشی بیاید و سؤال‌هایش را طرح کنند. مشکل این است که مادران ما گاهی مادرانگی‌شان را فدای وقت صرف کردن پای امور تجملی و زمان گذاشتن برای ماهواره کرده‌اند.

ممکن است برخی بپرسند چرا اساساً ما موضوع پوشش را این‌قدر حساس کرده‌ایم؟

به خاطر این است که بین نوع پوشش و نوع رفتار یک رابطه مستقیم وجود دارد و کسی نمی‌تواند منکر باشد که نوع پوشش، رفتارها را شکل می‌دهد لذا پوشش عقیقانه، رفتار عقیقانه و پوشش بد، رفتار بد را شکل می‌دهد. از طرف دیگر توجه کنید که وقتی رفتار عقیقانه در جامعه شکل می‌گیرد، آرامش اجتماعی هم به دنبال‌اش می‌آید که می‌تواند موجب رونق علمی، فرهنگی و اقتصادی شود. امروزه در غرب به ویژه آمریکا دارند روی این مسایل حساس می‌شوند که نداشتن حریم بین زن و مرد و

به عنوان اولین پرسش می‌خواهم بدانم بحث حجاب و عفاف در افق نگاه شما چه جایگاهی دارد و از چه منظر و زاویه‌ای به این موضوع نگاه می‌کنید؟

موضوع حجاب و عفاف و بحث پوشش به هر حال از موضوعات بسیار مهم و مورد دغدغه عموم مردم و اقشار مختلف جامعه است چون ریشه در فطرت و باورها و ارزش‌های مردم دارد و اساساً موضوعی است که در طول تاریخ اقوام مختلف همیشه به آن می‌اندیشیدند و می‌توان گفت نوع پوشش، بیانگر نوع رفتار و ارزش‌های جامعه است، لذا در جامعه ما هم به ویژه بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی این موضوع با حساسیت بیشتری دنبال می‌شود و از یک منظر دیگر می‌شود گفت یکی از ریشه‌ها و دلایل شکل‌گیری انقلاب اسلامی توجه به هویت و ارزش و کرامت زن است که زن نه به مثابه تن که به عنوان انسانی واجد استعدادها و توانمندی‌های یک انسان دیده شود. شما البته امروز می‌بینید که انصافاً انقلاب اسلامی هویت از دست رفته زن را به او بازگردانده است و جایگاه واقعی او را به جوامع بشری نشان می‌دهد و این پیام همه جای دنیا را فرا گرفته است. امروز در بین زنان اصیل و فرهیخته و انقلابی کشور نگاه به پوشش به عنوان ودیعه الهی برای زن یک امر پذیرفته شده است و اساساً زنان به خاطر همین به قیام امام خمینی (ره) پیوستند، چون امام احیای ارزش‌های الهی در قرن حاضر بود و یکی از مهم‌ترین این ارزش‌ها بازگرداندن هویت حقیقی زن به او بود. این که می‌توان هم زن بود و هم عقیق و هم فعالیت اجتماعی داشت. ما امروز شاهد شکل‌گیری جنبش‌های بازگشت به فطرت و هویت انسانی به ویژه در میان زنانی هستیم که از نیمه عربیانی موجود آسیب دیده‌اند و خواهان بازگشت به اصالت فطرت خود هستند.

مثالی در این باره می‌زنید؟

به عنوان نمونه می‌توانم به "جنبش لباس عقیقانه" در آمریکا اشاره کنم که به صورت جدی و فراگیر در آمریکا دیده می‌شود. "جنبش خویشتن داری" و قائل شدن حریم بین زن و مرد از جنبش‌های جدی در آمریکاست. جنبش دیگر Head covering women یا زنانی که خواستار پوشاندن سر خود هستند و معتقدند که آموزه‌های مسیح به آن‌ها می‌گوید که با سرهای پوشیده در مجامع و بیرون از خانه حضور داشته باشند. همچنان که در خود غرب از زمان عیسی مسیح تا همین ۲۰۰ سال اخیر پیش از شکل‌گیری فضای بی‌بند و باری و اباحی‌گری به ویژه از جانب صهیونیسم در غرب زنان با افتخار با پوشش بسیار مناسب و موه‌های پوشیده شده در جامعه حضور پیدا می‌کردند و فعالیت خود را داشتند. به هر حال جنبش‌های بازگشت به باورها و ارزش‌ها امروز در غرب یک پدیده جدی است. چون آن‌ها با چشم خود این مخاطرات و بی‌ارزش شدن‌ها را دیده‌اند و تجربه کرده‌اند. من شما را ارجاع می‌دهم به حرف‌های تکان‌دهنده و عبرت‌آموز جوانان فرانسوی، نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی که می‌گوید ما امروز به کرامت و حرمت زن مسلمان غیبه می‌خوریم که سال‌ها با احترام و آرا‌م‌ش زندگی می‌کرد اما زن غربی مثل دستمالی بین مردان دست به دست می‌چرخد و دست مالی می‌شود. این اعتراف تلخ خانم فرانسویس به عنوان یکی از ده‌ها و صدها

در گفتگو با دکتر زینب اختری، فیزیولوژیست و عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم پزشکی بقیه الله مطرح شد

بمباران حریم خصوصی مغز، با ورودی‌های جنسی بینایی دختران را پشیمان و افسرده می‌کند

آیدین مهر

دکتر زینب اختری، فیزیولوژیست و دبیر «کمیته نوروبیولوژی جنگ نرم» در مرکز علوم اعصاب پژوهشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله به همراه تیمی از اعضای هیأت علمی این مرکز که شامل نوروبیولوژیست‌ها و برخی از فعالان و متخصصان علوم قرآنی و حدیث است، پروژه جالبی را عهده دار شده‌اند. آن‌ها با چشم علم روز به منابع مدیریت استرس که پیشتر در معارف و آموزه‌های دینی منعکس شده نگاه می‌کنند. گفتنی است این مرکز سال ۹۴ کتاب «عفاف و حجاب از دیدگاه نوروبیولوژی» را منتشر کرده است.



خانم دکتر! مهم‌ترین پروژه‌ای که در این چند سال در مرکز شما دنبال شده مشخصاً چه بوده است؟

ما در مرکز تحقیقات علوم اعصاب پژوهشگاه علوم پزشکی بقیه الله در حال حاضر کمیته نوروبیولوژی جنگ نرم را تشکیل داده‌ایم. البته جناب دکتر صحرایی مسئول کلی این پروژه هستند اما مجموعه‌ای از همکاران و اعضای هیأت علمی مسئولیت‌هایی در این باره دارند و تیم کار خود را پیش می‌برد.

شما در این پروژه دقیقاً به دنبال چه می‌گردید؟

اگر بخواهم خیلی کلی به قضیه اشاره کنم وظیفه ما در این کمیته تمرکز بر موضوعاتی است که می‌تواند جامعه را به آرامش برساند. در واقع ما باید راهکارهایی را استخراج کنیم که به مدیریت استرس در جامعه منجر شود.

حالا در این کمیته علمی چطور این اتفاق افتاده است؟

درباره این موضوع یک سری مقالات علمی در دنیا - بیشتر آمریکا و اروپا - در ژورنال‌های معتبر بین‌المللی منتشر شده است.

درباره مدیریت استرس؟

بله. ما حدود دو سال است که روی این موضوع متمرکز شده‌ایم. طبیعتاً مقالاتی که ما از ژورنال‌های بین‌المللی و معتبر تهیه کرده‌ایم به دنبال این است که چطور از دیدگاه نوروبیولوژی یا زیست‌شناسی عصبی می‌توان به حفظ آرامش و مدیریت استرس کمک کرد. ما در واقع در این سلسله تحقیق‌ها به این موضوع می‌پردازیم که با ورود محتوای حسی از طریق ورودی‌های حسی به بدن چه اتفاقاتی در مغز انسان می‌افتد و در ادامه این ورودی‌ها منجر به تولید رفتار می‌شود.

یعنی مسیری که ما از ورودی‌های حسی تا یک رفتار دنبال می‌کنیم؟

همین‌طور است. وقتی ما بررسی کردیم خب نتایج جالب توجه بود. اولاً ورودی‌های بینایی طبق تحقیقات ۸۰ - ۶۵ درصد ورودی‌های حسی ما هستند. در واقع شما بخش قابل‌توجهی از محتوایی که بعد در مغزتان طی پروسه‌ای تبدیل به رفتار می‌شود از ورودی‌های بینایی می‌گیرید، بنابراین ما از ورودی‌های بینایی آغاز کردیم، این که چه چیزهای رؤیت‌شدنی و دیدنی‌ای باعث می‌شود مغز انسان تحت تأثیر قرار بگیرد، چه مثبت و چه منفی یعنی این دیدنی‌ها می‌توانند از جهتی باعث کسب آرامش شوند یا از آن سو آرامش انسان را سلب کنند. ما برای این منظور مقالات آدولف رالف، بروس مک ایون و لی داکس و سایر نوروبیولوژیست‌های معروف را بررسی کردیم. در واقع خودمان در این باره کاری انجام ندادیم چون احتمالاً متهم می‌شدیم.

متهم به این که احتمالاً باورهای دینی‌تان را در نتایج پژوهش دخالت داده‌اید و به آن چیزی رسیده‌اید که از اول می‌خواستید ثابت کنید؟

دقیقاً ما به عنوان نوروبیولوژیست‌ها این وظیفه را عهده دار بودیم که سه مرکز اصلی در مغز را دنبال کنیم. مرکز کنترل هیجانات، مرکز تشکیل حافظه و مرکز تصمیم‌گیری و قضاوت: وقتی شما صحنه‌ای را می‌بینید و به هیجان درمی‌آید چه مثبت و چه منفی این اتفاق در آمیگدال مغز شما که مرکز کنترل احساسات و هیجان هاست می‌افتد و براساس بار هیجانی وارد شده به مغز و استفاده از حافظه هیجانی ذخیره شده در این مرکز یک پاسخ هیجانی را موجب می‌شود. مرکز تشکیل حافظه بلندمدت یا هیپوکمپ مسئول نگهداری و حفظ همه خاطراتی است که از دوران جنینی تا اکنون در مغز شما ذخیره شده است. مرکز تصمیم‌گیری و قضاوت یا پری‌فرونتال کورتکس مرکزی است که با جمع‌آوری تمام اطلاعات از تمام نقاط مغز نهایتاً به یک جمع‌بندی و بروز یک رفتار منجر می‌شود.

فرد با یک صحنه جنسی از یک فیلم در لپ‌تاپ خود مواجه می‌شود. این تصویر وارد مغز او می‌شود و اولین جایی که در مغز او فعال می‌شود آمیگدال یا مرکز هیجان هاست. در واقع یک بخش سیستم هیجانی که به این ورودی‌ها حساس است فعال می‌شود و در ادامه چون ارتباطات با آن بخش تصمیم‌گیری و قضاوت‌مهری است فرد اجازه نمی‌یابد که درست تصمیم‌گیری کند.

در واقع وقتی مرکز هیجان‌ها روشن می‌شود، مرکز تصمیم‌گیری دقیقاً زیر سایه ورودی‌های این مرکز قرار می‌گیرد؟

همین‌طور است. به خاطر همین می‌گویند اگر فرد با یک صحنه جنسی مواجه می‌شود، احتمال یک زندگی مشترک صحبت کنند این صحبت‌ها باید قبل از شکل‌گیری فاز عاطفی باشد چون وقتی آن مرکز هیجان‌ها روشن شود فقط نکات هیجانی در ذهن می‌ماند و فرد عملاً با همان نکات تصمیم می‌گیرد. شما احتمالاً شنیده‌اید که بیشتر طلاق‌ها در دو سال اول زندگی مشترک اتفاق می‌افتد چون

برای فهم بهتر مرکز هیجانات من یک مثال می‌زنم. حیوانی خطرناک به سمت شما می‌آید شما دستخوش هیجان می‌شوید و خاطره‌ای با بار هیجانی که از آن حیوان یا فیلمی که از حمله او دیده‌اید تداعی می‌شود و بعد تصمیم می‌گیرید که فرار کنید یا رودرو با او مبارزه کنید. در اینجا رفتار شما کاملاً هیجانی است، زیرا زمانی که مرکز هیجانات شما فعال است ارتباطات آن با بخش مرکز تصمیم و قضاوت به صورت مهری است و اجازه تصمیم‌گیری منطقی را به شما نمی‌دهد، این در حالت طبیعی به نفع بدن است چون پاسخ بسیار سریع اتفاق می‌افتد تا جان شما را از خطرات محافظت نماید اما زمانی که این تحریکات از حالت طبیعی خارج شده و فرد دائماً هیجانی شود، دیگر اجازه تصمیم‌گیری منطقی در مغز شما اتفاق نمی‌افتد و دائماً رفتارهای هیجانی در شما نمود پیدا می‌کند که پس از پایان هیجان احساس پشیمانی در شما شکل می‌گیرد که این نشان‌دهنده فعالیت مرکز تصمیم‌گیری و قضاوت شماست.

ما در گروه علوم و اعصاب پژوهشگاه بقیه‌الله بررسی کردیم پوشانندن یا نپوشاندن بخشی از بدن که باعث حذف ورودی‌های حسی با بار هیجانی و جنسی می‌شود، دقیقاً چه تأثیری روی مغز می‌گذارد

و چطور این پروسه‌ها به موضوع پوشش و حجاب رسید؟

ما در این مرکز بررسی کردیم پوشانندن یا نپوشاندن بخشی از بدن که باعث حذف آن دسته از ورودی‌های حسی می‌شود که بار هیجانی و جنسی دارند دقیقاً چه تأثیری روی مغز می‌گذارد.

فرض کنید کسی این پوشش را ندارد. تحقیق شما تأثیر این نپوشاندن روی خود فرد است یا کسی که در معرض این اتفاق قرار می‌گیرد و ورودی حسی خود را کنترل نمی‌کند؟

هر دو طرف. مثلاً یک خانمی که حجاب مناسبی ندارد، وقتی از او می‌پرسیم که چرا آرامش دیگران را مختل می‌کند، او می‌گوید بقیه باید چشم‌های خود را کنترل کنند اما حواس او نیست که آرامش خودش را هم مختل کرده است. اگر یک فرد صحنه نامناسبی ببیند که بار هیجان جنسی داشته باشد یا به عبارت دیگر خود را در معرض ورودی‌های جنسی بینایی قرار دهد، این ورودی‌ها تأثیراتی روی بخش‌های مختلف مغز او می‌گذارد و فرد یک سری رفتارهای هیجانی از خود نشان می‌دهد اما بعد که آن هیجان فروکش کرد، احساس پشیمانی می‌کند.

در ماه‌های اول و سال اول فرد همچنان در بستر هیجان‌ها قرار گرفته و عیب و ایرادها را چندان نمی‌بیند اما بعد از دو سال که آن هیجان‌ها فروکش کرد شروع می‌کند به تحلیل کردن که من با چه کسی ازدواج کردم. به خاطر همین است که افراد حواس‌شان باید بیشتر به ورودی‌های بینایی باشد.

من به سوالم درباره آن خانمی که با نوعی احساس امنیت به حجاب بد خود یا دیگران نگاه می‌کند بر می‌گردم. گفته می‌شود که زنان درباره ورودی‌های بینایی جنسی نوعی امنیت دارند. چقدر این حرف قابل قبول است و آیا در این زمینه هم کار کرده‌اید؟

ببینید مرکز آمیگدال یا هیجان‌ها در آقایان بزرگتر است و عکس‌العمل‌های شدیدتری نسبت به خانم‌ها دارد. در واقع تفاوت به آناتومی مغز آقایان و خانم‌ها بر می‌گردد. در آمیگدال هسته‌ای وجود دارد به نام هسته میانی آمیگدال که مرکز درک ورودی‌های جنسی است. این هسته در آقایان بزرگ‌تر و در خانم‌ها کوچک‌تر است. به خاطر همین است که یک خانم وقتی در معرض تصاویر جنسی و تحریک‌کننده قرار می‌گیرد می‌گوید برای من

اتفاقی نمی‌افتد اما نکته این جاست که بخش جانبی آمیگدال در خانم‌ها بزرگ‌تر است. به خاطر همین خانم‌ها خاطرات را رنگی‌تر و با وضوح بالاتری به یاد می‌آورند.

حالا تصور کنید که یک خانم در معرض این ورودی‌های جنسی قرار می‌گیرد. مدام در مغز او خاطره تشکیل می‌شود. حالا فرد می‌خواهد درس بخواند، هی این خاطرات تداعی می‌شود و به فرد آسیب می‌زند. فرد می‌گوید من نمی‌توانم درس بخوانم. چرا؟ به خاطر این که آمیگدال او دائماً روشن است و مغز او آمیگدال‌نویسی است و رفتارها کاملاً هیجانی شده است. در واقع بدن فرد در بمبارانی از هیجان هاست، به راحتی دچار تیش قلب، تنفس تند و عرق می‌شود. همه این‌ها ناشی از فشار عصبی است. حالا به این فکر کنید که فرد دائماً در این حالت باشد اتفاقی که می‌افتد این است که سیستم استرس بدن فعال می‌شود و هورمون استرس یا همان کورتیزول ترشح می‌شود. خب در حالت طبیعی روشن بودن سیستم استرس بدن اتفاقاً خوب است. شما مثلاً در معرض یک حمله قرار می‌گیرید یا از وسط خیابان می‌خواهید رد شوید، سیستم استرس بدن برای چند لحظه فعال می‌شود چون اگر این سیستم فعال نشود ممکن است شما زیر ماشین بروید اما مشکل زمانی است که سیستم استرس برای طولانی مدت فعال شود و از حالت حاد به مزمن دربیاید. اتفاقی که این‌جا می‌افتد این است که سیستم استرس فیدبک مثبت می‌گیرد و کورتیزول، آمیگدال را به بزرگ شدن و می‌دارد و در ادامه ترشح خودش را تقویت می‌کند.

و وقتی این حالت استرس پایدار می‌ماند چه اتفاقی می‌افتد؟

فرد کم‌کم مضطرب می‌شود و می‌گوید دلم شور می‌زند اما نمی‌داند چرا و با پایداری اضطراب، فرد کم‌کم مستعد افسردگی می‌شود. یعنی آن خانمی که در برابر ورودی‌های بینایی‌اش با اهمال برخورد کرده دچار اضطراب و افسردگی می‌شود. آمارهای علمی نشان می‌دهد میزان افسردگی خانم‌ها دو برابر آقایان است در یک آمار دیگر حتی از پنج برابر هم یاد شده است. آمار بسیار تکان‌دهنده است. پس این که یک خانم می‌گوید من در برابر ورودی‌های بینایی خود مشکلی ندارم و اتفاقی که در بدن یک مرد با دیدن تصاویر جنسی می‌افتد برای بدن من نمی‌افتد نمی‌داند که به آن اتفاق آنی در تن او نمی‌افتد اما آثار تخریبی این اتفاق در مغز او بدتر است.

پس در واقع می‌شود گفت کسی از ولنگاری و شلختگی حسی‌اش سودی نمی‌برد و این امر کاملاً فراجنسیتی است؟

همین‌طور است و عفاف یعنی کنترل ورودی‌های حسی، یعنی احواسمان باشد که چه چیزی و به چه مقداری وارد بدنمان می‌شود. من پاسخ سوال شما را در آن بخش که گفتید یک خانم بد حجاب از بدحجابی‌اش چه ضرری می‌کند این‌طور می‌دهم که آن خانم وقتی در معرض دید دیگران قرار می‌گیرد هم به نوعی سلب آرامش از دیگران می‌کند و هم آرامش خودش به مخاطره می‌افتد. خب البته وقتی این تمایل به در معرض نگاه دیگران قرار قرار گرفتن را بررسی می‌کنیم می‌بینید که ناشی از نداشتن اعتماد به نفس است. برخی از دختران امروز ما نمی‌دانند که چطور خودشان را ابراز کنند و شیوه ابراز درست را نمی‌دانند. در واقع این زنان یا دختران می‌خواهند از دیگران تأیید بگیرند اما به چه قیمتی؟ خانمی که پوشش مناسبی ندارد در واقع اعلام می‌کند می‌توانید به من نگاه بدی داشته باشید. چطور کسی که می‌تواند اعلام کند می‌توانید به من نگاه بدی داشته باشید می‌تواند به آرامش پایدار برسد؟ اگر مغز شما حریم خصوصی شما نیست، هیچ‌و‌اگر بر این باور هستید، حق شماست که بروید اما حق‌تان را از کسانی که می‌خواهند این حریم خصوصی را مخدوش کنند بگیرید. ■

گفتگو با طاهره همیز، مشاور خانواده و استاد دانشگاه

هرزه‌گردی مردان از زنان و دخترانشان تاوان می‌گیرد

شکوفه ناظمی

طاهره همیز در حوزه مشاوره خانواده چهره شناخته شده‌ای است. او کارشناس ارشد فقه و حقوق است اما حوزه پژوهشی‌ای که سال‌هاست دنبال می‌کند موضوعات تربیتی و خانواده با رهیافت‌های دینی است. نشست‌ها و کلاس‌های او در دانشگاه و بیرون از آن طرفداران و هواخواهان قابل توجهی دارد. گفتگوی ما با خانم همیز به چگونگی نهادینه‌سازی رفتارهای عقیقانه در جامعه می‌پردازد.

اگر بخواهید به عفت به عنوان یک خصلت فراجنسیتی نگاه کنید چه مولفه‌هایی به چشم تان برجسته می‌آید؟

عفت در فرد به قول علما ملکه ای است که مانع از بی حیایی و ارتباط با نامحرم می‌شود و قدرت درونی ای است که اگر تشکیل نشود رفتار شایسته ای از فرد در برابر جنس مخالف نمی‌بینیم. پس باید دید که مولفه‌های ایجاد عفت چیست. منظورم آن عناصری است که عفت را در وجود انسان به وجود می‌آورند. نکته این جاست مازمانی به رفتار عقیقانه ی می‌رسیم که پذیرش افکار عمومی به این رفتار رسیده باشد. ما امروز در جامعه مان با طیف گسترده ای از انسان ها مواجه هستیم که قادر به حفظ عفت نیستند. حتی کسانی که معتقد به مذهب و عمل مذهبی هستند، عفت را به صورت پرنک یا کم رنگ در آن‌ها می‌بینیم اما کسانی که این باور و اعتقاد را ندارند طبیعتا چنین ضرورتی برای آنان ایجاد نمی‌شود وقتی کسی معتقد و باورمند به قیامت و آخرت و محاسبات آخرتی نباشد در یک فضای لذت آبی قرار می‌گیرد و حتی اگر مسلمان زاده هم باشد لزومی نمی‌بیند که خودش را به زحمت بیندازد و عقیف بماند. آدمی که آلوده به لقمه حرام شده و ارتباط های ناجور با نامحرم را طبیعی می‌بیند انتظاری برای رفتار عقیقانه از او می‌تواند وجود داشته باشد؟

من یک وقتی که در این باره تأمل می‌کردم دیدم دست کم ۴۰ - ۳۰ مولفه در کنار هم باید جمع شوند تا عفت در درون فرد احیا و ملکه شود. یعنی اگر ما می‌خواهیم جامعه مان به صورت عقی و بطنی به این مفهوم برسد این مولفه ها در جامعه ما باید جمع شود اما اگر ما به این افق هم نتوانستیم برسیم دست کم در کوتاه مدت در ظاهر می‌توانیم کسب قدرت عفت را در جامعه فرهنگ سازی کنیم. به این معنا که ممکن است فرد لایک هم باشد یا معیشت او به لقمه حرام آلوده شده باشد اما به خاطر تمهیداتی که جامعه اندیشیده شده مجبور باشد در افکار عمومی عقیف باشد. یکی از نزدیکان ما تعریف می‌کرد زمانی که در یکی از کشورهای خارجی حضور داشته هنگام خرید از یک سوپرمارکت یک لحظه برق می‌رود و همه جا تاریک می‌شود. آن آشنای ما تعریف می‌کرد که مردم چطور به قفسه ها حمله کرده بودند و با سبدهای پر داشتند از فروشگاه فرار می‌کردند، حتی نگهبان فروشگاه هم سبش را پر کرده بود. چرا؟ به خاطر این که چند دقیقه ای دوربین‌ها قطع شده بود.

در واقع می‌گویید که وقتی تقوا و بازدارندگی درونی نیست، آن دوربین‌ها کار بازدارندگی برونی را انجام می‌دهند؟

بله و توجه کنید که ما هم می‌توانیم با فرهنگ سازی این بازدارندگی‌های بیرونی را در جامعه مان ایجاد کنیم.

و این دوربین در نظر شما چه می‌تواند باشد؟

نظارت عمومی. اگر ما بتوانیم اصل نظارت همگانی را پیاده کنیم، آن وقت دست کم در بیرون رفتارهای عقیقانه بیشتر خواهد شد.

می‌توانید در این باره مثال بزنید؟

شما می‌آیید و در آموزش‌های رسانه‌ای و تلویزیونی

این موضوع را مطرح می‌کنید که وقتی کسی این گونه لباس می‌پوشد در واقع زبان حال پوشنده این لباس این است که با من ارتباط برقرار کنید. این مفهوم را در جامعه جا می‌اندازید. آن وقت وقتی این موضوع جا افتاد، هزینه این نوع لباس پوشیدن خیلی بالا می‌رود چون افکار عمومی این کدها را متوجه شده است. اخیرا کتابی می‌خواندم درباره هویت زن به عنوان یک انسان. کتاب جالبی بود و نویسنده رفته بود و با مردانی که مرتکب هتک حرمت شده و در زندان بودند مصاحبه کرده بود. در میان این زندانی‌ها کسانی بودند که به زن شوهردار هم تجاوز کرده بودند. این متجاوزها گفته بودند ما زن‌هایی را می‌زدیدیم که وقتی نگاه شان می‌کردیم احساس می‌کردیم خودشان هم بدشان نمی‌آید. از یکی شان پرسیده بودند چرا زن شوهردار را دزدیده بودی و جواب شنیده بودند که دیدم شوهرش چشم چران است. توجه می‌کنید آدمی که مبادرت به این کار می‌کند جرأت نمی‌کند به زن عقیف‌نگاهی بیندازد چون خداوند نوعی بازدارندگی را در وجود آن زن گذاشته است. من بارها در گزارش‌های نیروی انتظامی دیده‌ام افرادی که متجاوز به نوامیس بوده اند گفته اند این خانم خودش با نوع پوششی که داشته و رفتاری که می‌کرده چراغ سبز را به ما نشان داده است.

پس این ادبیات شما این شبیه را ایجاد نمی‌کند که انگار شما از کار متجاوزها دفاع می‌کنید و به نوعی می‌خواهید بگویید حق شان بود که به این زن‌ها تجاوز شده؟ انگار

و در قالب قانون مطرح نکرده ایم. من در دانشگاه درس می‌دهم و دانشجویان پسر و دختر دارم. یک روز در کلاس دیدم یکی از دانشجویان پسر آمد و صندلی اش را به صندلی یک دختر چسباند و دستش را هم با یک حالتی گذاشت روی کتاب دختر و گفت استاد کجا را درس می‌دهد؟ من دیدم این دانشجو حتی حرمت من را هم نگه نداشت، خیلی ناراحت شدم. اتفاقا همین دانشجو در پایان ترم نمره اش شد ۵. آمد گفت استاد به من رحم کنید. از راه دور می‌آیم و چه و چه. بعد هم بچه ها آمدند که استاد! این دانشجو گرفتاری خانوادگی دارد و سر کار هم می‌رود. گفتم اگر من بخواهم به ایشان ۱۰ بدهم باید به هر کدام از شما ۵ نمره بیشتر بدهم. خلاصه قرار شد دوباره امتحان بدهد. پس از امتحان یک رساله به او دادم و گفتم احکام نگاه را از روی آن بخوان وقتی می‌خواند که مرد حق ندارد به بدن زن خیره شود.... بعد هم روایت امام صادق(ع) را آوردم که اگر مردی به ناموس مردم نظر داشته باشد و نگاه کند ناموس خودش طعمه نامحرم می‌شود. گفت چرا؟ گفتم عدالت خداست تا مردها نگاه شان را مدیریت کنند. دوباره روایتی از امام صادق(ع) را خواندم که اگر مردی نگاه به زن نامحرم داشته باشد روز قیامت چشم او را با میخ داغ پر می‌کنند. گفتم می‌دانی چرا حدیث تا این حد تکان دهنده است؟ برای این که مرد بداند چه مسئولیتی دارد. آرام آرام قصه را متوجه شدو سرش را انداخت پایین، با یک حالتی گفت منظورتان آن روز است.

موضوع اینجاست که بدترین مردها هم در برابر

ما وقتی می‌گوییم مردی که هرزگی می‌کند و نگاهش را کنترل نمی‌کند و چشم چران است، ناموس خود را در خطر قرار می‌دهد کجای این دفاع از مردهاست؟ اتفاقا دارد به مردها این پیام را می‌فرستد که اگر می‌خواهید ناموس تان در خطر قرار نگیرند باید از خودتان شروع کنید.

ناموس شان حساس هستند. کدام مرد می‌پذیرد به این شرط به ناموس مردم نظر داشته باشد که به ناموس او نظر داشته باشند. چند سال پیش با عده‌ای از دانشجویانم به مکه رفته بودیم. آنجا اتفاقا تلخی برای ما افتاد. یک مرد رفته بود اتاق یکی از دختران. قضیه این طور بود که این خانم رفته بود اتاقش و دیده بود یک مرد روی تخت او دراز کشیده است و بعد هم فرار و جیغ. وقتی این خبر آن جا پیچید دخترها وحشت کرده بودند. خلاصه پای پلیس هم وسط کشیده شد. چند سال از این قضیه گذشت و ما با جمعی که همان دانشجو هم در میان آن‌ها بود رقتیم مشهد. دو مرتبه آن جا هم یک مرد به اتاق این دختر رفته بود. بعد من دیدم که این دختر نشسته و دارد گریه می‌کند که چرا من؟ چرا من این قدر بدبختم؟ من در حدیثی از امام صادق(ع) خوانده بودم که مردها پاک باشند تا زنان تان هم پاک بمانند. از این دختر خانم پرسیدم پدرت چه کاره بود؟ چطور آدمی بود؟ گفت بابای من آدم کثیف و زن بازی است. حدیث را برایش خواندم گفت من چه گناهی کرده‌ام؟ گفتم زیاد آیت الکرسی بخوان. اما این فرجایی است که پدر تو برای شما رقم زده است.

ما این مسایل را اتفاقا باید صریح با افکار عمومی در



میان بگذاریم. جای پنهان کاری نیست. ما قوانین قضا و قدری در اسلام داریم که اجتناب ناپذیر است. وقتی مردی دچار تخلف می‌شود حتما مادر و دخترش وزنان اطرافش را هم در معرض آن آسیب قرار می‌دهد. در یک جایی برنامه ای با عنوان تحلیل جنسیتی داشتیم. من آن جا گفتم آلودگی کشورهای غربی بیشتر از جانب مردهاست. تا تقاضایی نباشد عرضه ای اتفاق نمی‌افتد. یک زن فاحشه ۴۰ مرد فاحشه را در کنارش دارد. داشتیم این‌ها را می‌گفتم که یکی از خانم‌ها گفت درست گفتی. گفت داستان خفاش شب را شنیده‌ای؟ گفتم بله. داستان مردی که به زنان و دختران تعدی می‌کرد و جسد قربانی‌هایش را می‌سوزاند. البته آن زمان که پرونده خفاش شب شکل می‌گرفت، نگرانی‌های خاصی ایجاد کرده بود کند. روانشناسان وقتی با او حرف می‌زدند از او پرسیدند نسبت به کدام یکی از قربانی‌هایش احساس ترحم پیدا کرد؟ گفت من در ترمینال درماشین پیکانم خواب بودم. دختر جوانی که می‌خواست به کلاسش در دانشگاه برود مرا بیدار کرد. گفت به محض این که این دختر سوار ماشینم شد من در ماشینم طناب داشتم و طوری طناب را قرار داده بودم که با یک حرکت پای قربانی داخل گره، طناب قفل می‌شد و دیگر نمی‌توانست کاری بکند. این دختر خیلی التماس کرده بود اما این فرد اصلا توجهی نکرده بود و آخر سر هم جسد دختر را سوزانده بود. بعد این خانم می‌گفت من پدر این دختر را می‌شناختم و در جریان بودم که زمان طاعون او چند دختر را هتک حرمت کرده بود. به خاطر همین دختر معصومی هم که مراقب رفتارش بود، قربانی رفتار پدرش می‌شود. این قضا و قدری است که بر سر آدم‌ها می‌آید.

گاهی ما در کلاس‌هایی که برای آموزش سبک زندگی برای زوج‌ها داریم، به مواردی برمی‌خوریم که متأسفانه گاه میان خانواده‌های مذهبی ما شیوع پیدا کرده است. خانمی به من می‌گفت شوهر من مذهبی است اما راحت به خانم‌ها نگاه می‌کند. وقتی به او می‌گویم آقایان نباید با دقت به خانم‌ها نگاه کنند می‌گوید اگر آدم نظری نداشته باشد ایرادی ندارد. این در صورتی است که آیه ۳۰ سوره مبارکه نور می‌فرماید: **أَقْلَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فَرْجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ** دستور مؤکد خداوند این است که مردان مؤمن چشم‌های خود را فروبندند. در همان جلسه شوهر همان خانم دستش را برد بالا و گفت خانم! آدم می‌تواند نظری نداشته باشد. گفتم متن آیه که مشروط نکرده است. اگر شما می‌خواهید مشروط کنید چیز دیگری است اما خداوند استثنائا گذاشته است، وگرنه می‌گفتند اگر نظری نداشته باشد ایرادی ندارد. دیدم که سکوت کرد. گفتم شما که می‌گویید اگر نظر بد نباشد اشکال ندارد آیا راضی می‌شوید کسی همین طوری به ناموس شما چشم بدوزد و بگوید نظر بدی نداشت؟ آن جا این حرف را زدم که خاندان امام حسین علیه السلام، همسران و دختران و خواهران حضرت ۹۰۰ کیلومتر در بیابان از کوفه تا شام همراه مردانی بودند که قاتل امام حسین(ع) و اصحاب حضرت بودند. این‌ها شب‌ها مست هم می‌کردند اما آیا اتفاقی برای یکی از این زنان افتاد؟ گفت نیفتاد. گفتم اتفاقی برای این زنان نیفتاد چون مردان آن‌ها پاک طینت بودند و از قلب و چشم شان محافظت می‌کردند و خداوند سبحان از آنان محافظت کرد. ■



گزیده ای از بیانات رهبر معظم انقلاب درباره زنان و ارزش های انقلابی و اسلامی

نظام اسلامی راه سومی برای زنان گشود

رهبر معظم انقلاب در دیدارهای مختلفی که به مناسبت های گوناگون با زنان دانشگاهی، انقلابی و ورزشکار داشته اند با در فرازی از یک سخنرانی عمومی که موضوع به بحث زنان کشیده است دیدگاه های خود را درباره زنان، خانواده، ارزش های انقلابی و اسلامی بیان فرموده اند. آنچه در ادامه می آید گزیده و بریده بسیار کوتاهی از این دیدارهاست.



تربیت این همه زنان مؤمن تحصیلکرده و خوش فکر از افتخارات نظام است

راجع به مسئله ی زن در نظام جمهوری اسلامی و در کشور ما و جامعه ی ما، اولاً من عرض بکنم در هنگامی که به همین مناسبت غالباً بنده مواجه میشوم با بانوان مسلمان، زنان مؤمن و تحصیل کرده، خدا را عمیقاً شکر میکنم؛ واقعاً این یکی از بزرگترین افتخارات نظام اسلامی است که در سایه ی نظام اسلامی این همه زن فرزانه و تحصیل کرده و خوش فکر و ممتاز از لحاظ فکری و عملی در جامعه ی ما وجود دارند؛ خیلی نعمت بزرگی است و مایه ی افتخار است. حالا امروز که فقط این خانم محترم صحبت کردند، لکن جلسات متعددی ما داشتیم که خانمها متعدّد صحبت کردند؛ هر کدام که بیاناتی را ابراز کردند، یک دریچه ای از نگاه نو، فکر نو به روی ذهن انسان گشوده میشد. تربیت این همه انسان والا، برجسته و خوش فکر یکی از بزرگترین افتخارات نظام اسلامی است. امروز وقتی ما نگاه میکنیم، نام زنان ما بر تارک کتابهای متعدّدی - کتابهای علمی، کتابهای پژوهشی، کتابهای تاریخی، کتابهای ادبی، کتابهای سیاسی، کتابهای هنری - گذاشته شده؛ جزو برترین نوشته ها و آثار مکتوب امروز نظام اسلامی - چه مقالات و چه کتابها - نوشته های بانوان ما است، که این واقعاً مایه ی افتخار است.

در دیدار جمعی از بانوان برگزیده کشور - ۳۰ فروردین ۹۳

قلبا از ورزشکاران محبّه زن تشکر می کنم

مسئله ی بانوان و دختران ورزشکار ما که با حجاب در میدان میروند، خیلی چیز مهمی است. من نمیدانم کسانی که درصدد ارزیابی حوادث کشورند، یک ارزیابی درستی از این قضیه دارند یا نه. این، فوق العاده است. در کشوری از کشورهای اروپا، یک زنی را به جرم باحجاب بودن، جرأت میکنند چاقو میزنند و او را میکشند؛ آن هم در دادگاه و جلوی چشم قاضی! اینجوری است. خجالت نمیکشند؛ در دانشگاه، در ورزشگاه، در پارک، در خیابان، به حکم قانون - قانونی که جعل کرده اند - متعرّض زن محبّه میشوند. آن وقت در این فضا، توی این کشورها، یک زن محبّه در موضع قهرمان بر روی سکوی قهرمانی می ایستد و همه را وادار میکند به این که او را تکریم و تجلیل کنند. این چیز کمی است؟ این چیز کوچکی است؟ این کار خیلی با عظمت است. واقعاً همه باید قلبا از زنان ورزشکار ما که در میدانها با حجاب، با عفاف، با متانت و با وقار حاضر میشوند، تشکر کنند.

در دیدار مدال آوران المپیک و پارالمپیک - ۲۱ اسفند ۹۱

برداشتن حجاب، مقدمه ای است برای برداشتن عفت

یکی از جنایات بزرگ رژیم طاغوت، همین مسئله ی هفده دی هست. کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله ای که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است - که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است - تا همان بلائی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند. این اقدام را با چماق، رضا خان در داخل کشور انجام داد. زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردش نابودی خانواده بود. این جور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیت های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه ی این ها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه ی اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای اینکه از همه ی کارهای دیگر بمانند؛ و یک مدتی هم موفق شدند، اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت. زنهای مسلمان ما با وجود سخت گیریها در طول زمان، در مقابل این فشار سرکوبگر مقاومت کردند؛ بعد از رفتن رضا خان به نحوی، در زمان خود او به نحوی، در طول دوران بقیه ی طاغوت هم به نحوی. لذا در همان دی ماه ۱۳۵۶، روز هفدهم دی ماه در مشهد، یک اجتماع عظیمی، تظاهراتی از زنان مسلمان با شعار «حفظ حجاب» راه افتاد. ما آن وقت در تبعید بودیم؛ خبر آن را شنیدیم که زنان مؤمن و مسلمان و شجاع یک چنین حرکتی را به راه انداختند. این، گوشه ای از فجایع رژیم طاغوت بود؛ نابود کردن آرمان های دینی، ارزشهای اخلاقی، پیشرفتهای اقتصادی، عزت بین المللی و خلاصه بر باد دادن سرمایه های یک ملت جزو کارهایی بود که آن رژیم طاغوت و سپاه کار انجام داد.

در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزدهم دی ماه - ۱۹ دی ۸۶

سوغاتی که رضاخان قلدر از غرب برای ایران آورد

رضا خان قلدر وقتی خواست از غرب برای ما سوغات بیاورد، اولین چیزی که آورد، عبارت از لباس و رفع حجاب بود؛ آن هم با زور سر نیزه و همان قلدری قزاقی خودش! لباسها نباید بلند باشد؛ باید کوتاه باشد؛ کلاه باید اینطوری باشد؛ بعد همان را هم عوض کردند: اصلاً باید کلاه شاپو باشد! اگر کسی جرأت می کرد غیر از کلاه پهلوی - کلاهی که آن موقع با این عنوان شناخته می شد - کلاه دیگری سرش بگذارد، یا غیر از لباس کوتاه چیزی بپوشد، باید کتک می خورد و طرد می شد. این چیزها را از غرب گرفتند! زنها حق نداشتند حجابشان را حفظ کنند؛ نه فقط چادر - چادر که برداشته شده بود - اگر روسری هم سرشان می کردند و مقداری جلوی چانه شان را می گرفتند، کتک می خوردند! چرا؟ برای اینکه در غرب، زنها سربرهنه می آیند! این ها را از غرب آوردند. چیزی را که برای این ملت لازم بود، نیاوردند. علم که نیامد، تجربه که نیامد، جدّ و جهد و کوشش که نیامد، خطرپذیری که نیامد - هر ملتی بالاخره خصوصیات خوبی دارد - این ها را که نیاوردند. آنچه را هم که آوردند، بی دریغ قبول کردند. فکر و اندیشه را آوردند، اما بدون تحلیل قبول کردند؛ گفتند چون غربی است، باید قبول کرد. فرم لباس و غذا و حرف زدن و راه رفتن، چون غربی است، بایستی پذیرفت؛ جای بروبرگرد ندارد! برای یک کشور، این حالت بزرگترین سم مهلک است؛ این درست نیست.

در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصلای رشت - ۲۱ اردیبهشت ۸۰

زنان دفاع مقدس، راه سوم در میانه شرق و غرب

زن، در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی نقش در تاریخ سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، بمثابه ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه داری جدید است، معرفی می شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عقیف بود، محبّه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود. می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه ی سیاسی و اجتماعی نیز، سنگر سازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت در آمیختند و مردانه ترین میدانها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند. در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه ی سالم و خانواده ی متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد امر بمعروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بنیست های بزرگ را درهم بشکنند.

پیام به کنگره ی هفت هزار زن شهید کشور - ۱۶ اسفند ۹۱

تمدن غرب به زن ها خیانت کرده است

غربی ها در باره جنس زن باید پاسخگو باشند؛ چون آن ها به زن خیانت کردند. تمدن غربی به زن هیچ نداده است. اگر پیشرفت علمی، سیاسی و فکری هم در زنان دیده می شود، مال خود زن هاست. در هر کشوری چنین پیشرفت هایی نصیب زنان شود که در ایران اسلامی و در کشورهای دیگری هم شده است مال خود زن هاست. آنچه که غربی ها به آن دامن زدند و تمدن غربی پایه گذار خشت کج و بنای کجش بود، بی بندوباری و ابتذال زنانه است. زن را به ابتذال کشانده اند و داخل خانواده ی او را هم اصلاح نکرده اند. مکرر در مطبوعات امریکایی و اروپایی، میزان بالای زن آزاری ها و شکنجه ها و بی مهریها منتشر شده است. فرهنگ غربی در مورد زن و بی بندوباری و به ابتذال کشاندن زنان آن مناطق، موجب شده است که بنیان خانواده، سست و متزلزل گردد و خیانت زن و مرد به یکدیگر، در داخل خانواده چندان مهم شمرده نشود. این گناه نیست؟ این خیانت به جنس زن نیست؟ با این فرهنگ، از همه ی دنیا هم طلبکارند؛ در حالی که باید بدهکار باشند! فرهنگ غربی در مورد زنان باید در موضع مدافع قرار گیرد؛ باید از خودش دفاع کند؛ باید توضیح بدهد؛ اما غلبه و سلطه ی سرمایه داری و رسانه های مستکبر جتار غربی قضیه را بعکس می کنند؛ آن ها می شوند طلبکار؛ آن ها می شوند مدافع حقوق زن به قول خودشان و به اصطلاح خودشان! در حالی که چنین چیزی نیست. البته در بین غربی ها هم مسلماً متفکرانی، فلاسفه ای و انسانهای صادق و صالحی هستند که صادقانه فکر می کنند و حرف می زنند. آنچه که من می گویم، گرایش عمومی فرهنگ و تمدن غربی به زیان زن و علیه زن است.

در دیدار جمعی از بانوان - ۳۰ شهریور ۷۹